

# آلمان: شکستی دیگر برای جمهوری اسلامی

گفتگو با مینا احدی

صفحه ۲

## معضلات پروژه احیای سلطنت در ایران

علی جوادی

صفحه ۴

## تنفید و تحلیف، پرده آخر یک مضحکه

بهروز مهرآبادی

صفحه ۵

## من و "قصاب کردستان" و دخترش فاطمه صادقی خلخالی

شیوا محبوبی

فاطمه صادقی، دختر صادق خلخالی که مشهور بود به قصاب کردستان گویا برای اولین بار در مورد پدرش صحبت میکند. صحبت‌های فاطمه صادقی برای من به عنوان کسی که در زمان خلخالی و اعدام‌های کردستان یک بچه بودم یادآور دردناکترین خاطرات بچگیم است. پدر ایشان خشونت را وارد دنیای کودکانه من و هزاران کودک دیگر کرد و صدها کودک را از داشتن پدر محروم کرد. من پدر ایشان را که یک جلاذ بود نه میبخشم و نه جنایاتش را فراموش میکنم.

صفحه ۷

## کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

## ۵۳ کارگر احضار شده نیشکر هفت تپه با قرار وثیقه آزاد شدند

پرونده های امنیتی علیه کارگران باید فوراً بسته شود

صفحه ۵

## در حمایت از بیانیه ۱۳۰ فعال کارگری و معلمان در اعتراض به

بازداشت اسماعیل عبدی و تداوم تعقیب و حبس سایر فعالین

اجتماعی

صفحه ۸

باز گرداندن مجدد رضا شهابی به زندان محکوم است

رضا شهابی باید فوراً آزاد شود

صفحه ۸

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۲۴

جمعه ۲۰ مرداد ۱۳۹۶، ۱۱ اوت ۲۰۱۷

## ۳۱ مرداد تجمع سراسری بازنشستگان

خواست های بازنشستگان:

- حقوق بالای خط فقر

- درمان رایگان

- داشتن بیمه های همگانی و درمان رایگان

- اداره صندوق های بازنشستگی و نظارت بر آن از طریق

اعضاء هر صندوق و همچنین رسیدگی به غارت صندوق

ها و موسسات مالی بازنشستگان مانند جریان کارت

صدرا ...

- آزادی اعتراض و تشکل

- پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات

- آزادی اعتراض و تشکل

- پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات

- آزادی اسماعیل عبدی و محسن عمرانی

## ما تضمین یک زندگی شاد و شایسته انسانی

میدهم

سازمان جوانان کمونیست

صفحه ۳

## حضور سازمان جوانان کمونیست در

فستیوال پراید ورژه افتخار

(پراید پراد) ۲۰۱۷ استکهلم سوئد

سازمان جوانان کمونیست

صفحه ۳

## جمهوری اسلامی علیرضا تاجیکی را اعدام

کرد!

کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحه ۷

# آلمان: شکستی دیگر برای جمهوری اسلامی

گفتگو با مینا احدی



مشخصا اسلامی، قطبی شده است. چرا؟ بر سر چه مسائلی؟

**مینا احدی:** فضا فقط در بین حزب سبز و یا ترده فام قطبی نشده، در همه احزاب در قدرت و اپوزیسیون، چنین فضایی هست. جنبش اسلامی يك موضوع مهم در اروپا و آلمان است. سیاست مباحثات با سازمانهای اسلامی و دادن امتیاز نمایندگی میلیونها نفر مردم پناهنده و مهاجر از کشورهای اسلام زده به این سازمانها و دادن امکانات، بودجه و سوسید به اینها و دفاع از مالتی کالچرالیسم و نسبییت فرهنگی، که از جمله دفاع از حجاب و قوانین شریعه را شامل میشود، يك موضوع اعتراض دائمی در جامعه آلمان است. مردم به این سیاست معترض اند، میگویند کودک نباید حجاب داشته باشد، میگویند این همه امتیاز به سازمانهای اسلامی درست نیست و باید جامعه از حقوق زنان دفاع کند و نه اینکه به ملا و مردان ضد زن اسلامی کمک و یاری کند. ما با سازمانها و احزابی طرف هستیم که اولاً، به بخاطر منافع سیاسی و اقتصادی با دولتهای اسلامی همکاری میکنند و ثانیاً، با اتکا به نسبییت فرهنگی و مالتی کالچرالیسم، مردم منتسب به اسلام را لایق زندگی تحت قوانین اسلامی و شریعه دانسته و برای اتگراسیون آنها مسجد میسازند و حجاب را تبلیغ میکنند و همه اینها را به اسم فرهنگ آن مردم به جامعه میفروشند. همین ها، هر نوع نقد و مبارزه با جنبش و فرهنگ اسلامی را بیماری نام نهاده و زمین بازی را به راستها و راسیستها واگذار میکنند. این مسائل باعث شده که شکاف در بین این احزاب شدت گیرد و در مورد اینکه مشکل چیست و راه حل درست کدام است، جدل و درگیری فکری در بین اینها دامن زده شود.

**انترناسیونال:** ایجاد شبکه زنان سرکش، که زنانی از کشورهای اسلام زده در خاور میانه و شمال آفریقا هستند، علیه حجاب کودک، علیه حمایت از جریانات مذهبی و

کرد. بله این يك خواست محوری ما در سالهای اخیر بوده است. بارها در این مورد نوشته و فراخوان به تظاهرات داده ایم. جنگ و جدال با سازمانهای اسلامی در اروپا بر سر حجاب بسیار قدیمی و در عین حال پر تنش و داغ است. حجاب سمبل جنبش اسلامی و اسلام سیاسی و يك وسیله مهم سرکوب زنان و به بند کشیدن نیمه جامعه است. اینرا، ما زنان در ایران به عینه دیده و تجربه کرده ایم. حجاب يك تکه پارچه نیست، سمبل تحقیر و بی حقوقی زن است. حجاب کودکان که در اروپا و آلمان روز به روز بیشتر میشود، موضوع مورد نظر اشیپگل است که از خواست ممنوعیت آن دفاع میکند، و به يك جل در بین فمینیست های آلمانی اشاره میکند که این روزها در جریان بود. بزرگترین سازمان زنان در آلمان "ترده فام" است که در ماه می کنفرانسی با حضور ۴ شخصیت سیاسی و فعال زن در برلین برگزار کرد، از جمله "نجل کله ک" که عضو مرکزیت این سازمان است و من که در آن کنفرانس بودیم. بحث در مورد اسلام و حجاب بود و روز بعد کنگره سالیانه این سازمان بود و بیانیه ای در آن به تصویب رسید که در مورد ممنوعیت حجاب کودکان بود. این بیانیه علنی شد و چند روز بعد ۲۴ نفر از فعالین این سازمان طی يك نامه سرگشاده به این تصمیم قانونی سازمان خود اعتراض کرده و مخالفت خود با ممنوعیت حجاب کودکان را مطرح کرده و تهدید به ترك صفوف سازمان خود کردند. ترده فام به این نامه پاسخ داد و دهها نفر نامه سازمان زنان ترده فام در دفاع از ممنوعیت حجاب را امضا کردند از جمله من. اشیپگل به این جدل اشاره دارد و بعنوان يك نشریه مهم از سیاست ممنوعیت دفاع میکند.

**انترناسیونال:** فضای درون حزب سبز آلمان که يك حزب پارلمانی است و همچنین بزرگترین سازمان زنان در آلمان (ترده فام) در مورد نحوه برخورد به جریانات مذهبی و

بمیه، و .. جزو این معترضین بودند. من و نازنین برومند هم این نامه را امضا کرده بودیم. در عین حال، من نامه سرگشاده ای به وزیر زنان، کاتارینا بارلی نوشتم. نامه من در سایت هومانیتس های آلمانی منتشر شد. این نامه، بعد از آن، در نشریه "اما" که بسیار پخواننده است منتشر شد و به این ترتیب نامه در ابعاد وسیع انتشار یافت. تعدادی از ایرانیان نیز در يك نامه سرگشاده به این همکاری اعتراض کردند. وزیر زنان دو روز قبل از برگزاری کنفرانس در توییت نوشت که به نامه اعتراضی مینا احدی پاسخ خواهم داد و در روز کنفرانس وزارت زنان تویت کرد که بودجه را پس گرفته و این همکاری را کنسل کرده است. ما در همان روز ۲۸ جولای، که روز آغاز کنفرانس آنها بود، در محل کنفرانس های دولت آلمان در برلین کنفرانس مطبوعاتی داشتیم و به این امر پرداخته و به سوالات خبرنگاران پاسخ دادیم. این يك شکست برای حکومت اسلامی بود. سایت جامعه المصطفی هنوز فراخوان کنفرانس را در صفحه اول خود دارد و نوشته که آیا این کنفرانس برگزار شد یا نه. البته، وابستگان حکومت اسلامی، علیه زن خبرنگاری که اولین بار این خبر را علنی کرد، شکایت کرده اند که بزودی دادگاهی در این مورد تشکیل میشود.

**انترناسیونال:** اشیپگل، تیتیری با عنوان مدارس بی حجاب زده است که بخشی از خواست قدیمی شما، یعنی لغو حجاب کودک است. اشیپگل روزنامه قدیمی و معتبر است و در میان بسیاری از سیاستمداران این کشور نفوذ قابل توجهی دارد. بحث اشیپگل چیست و این مساله چه فرجه ای برای فعالیت شما و همینطور سکولارها و مدافعین حقوق کودک ایجاد کرده است؟

**مینا احدی:** اشیپگل در بخش آنلاین خود، هفته گذشته مطلبی زد با تیتیر مدارس بی حجاب و رسماً از ممنوعیت حجاب در مدارس دفاع

روزهای ۲۸ تا ۳۰ جولای قرار بود در برلین کنفرانسی با موضوعات؛ اسلام و درک از آن، و همچنین عقلانیت و رادیکالیسم، و با شرکت دو سازمان اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی برگزار شود. تحت فشار مخالفین جمهوری اسلامی، این کنفرانس کنسل شد. در مقابل، در اولین روزی که قرار بود این کنفرانس برگزار گردد، جمعه ۲۸ جولای، در برلین کنفرانس دیگری برگزار شد که مینا احدی یکی از سخنرانان آن بود. در این مورد و همچنین، در مورد بحث حجاب کودک که اکنون در آلمان بالا گرفته است و در میان احزاب حکومتی فضایی قطبی، له و علیه حمایت دولت از جریانات اسلامی دامن زده است با مینا احدی، یکی از چهره های مبارزه با جریانات اسلامی و امتیاز دهی دولت به این جریانات و کلا جریانات مذهبی، گفتگو می کنیم. توجهتان را به این گفتگو جلب میکنیم:

**انترناسیونال:** ماجرای حمایت دولت آلمان از دو جریان اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی چیست؟ عکس العمل ها در سطح جامعه و همینطور رسانه های آلمان چه بوده؟

**مینا احدی:** وزارت زنان و خانواده در آلمان به دو سازمان اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی ۱۸ هزار یورو برای برگزاری کنفرانسی با عنوان "اسلام واقعگرا در مقابل رادیکالیسم اسلامی" پرداخت کرده بود. دو موسسه "جامعه المصطفی" وابسته به دانشگاه المصطفی در قم و "سازمان شیعیان" در آلمان برگزار کننده این کنفرانس بودند. خبر این کنفرانس سه روزه، و همیاری دولت آلمان با این دو نهاد، از طریق رسانه ها در آلمان علنی شد که موجی از اعتراض را دامن زد، از جمله ۱۱۰ شخصیت سیاسی و فرهنگی آلمانی به این موضوع اعتراض کردند. گوئر والراف نویسنده بسیار سرشناس آلمانی، و سیران آتش موسس مسجد لیبرال در برلین، و اولریکه بکه رسخنگوی سازمان استوپ دی

مشخصا اسلامی، علیه ختنه کودکان، علیه حضور زنان محجبه بعنوان معلم مدارس، علیه برقع، بخشی از فعالیت شما در دو دهه گذشته در این کشور بوده است. اینطور به نظر میرسد که خواست های شما بدنبال يك مبارزه پیگیر چندین ساله، گوش شنوای زیادی در آلمان پیدا کرده است و فضای سیاسی در آلمان را حول این مسائل قطبی کرده است. اینطور است؟ ابعاد مساله را میتوانید توضیح بدهید؟

**مینا احدی:** در آلمان بنظر من، مباحثات در مورد جنبش اسلامی و اسلام سیاسی و همچنین نقد مذاهب و اسلام، بسیار پیشرفته است. در این کشور، افرادی همچون حامد عبدالصمد و یا زانا رضانی و نجلا کله ک و غیره حرفهایشان وسیعاً منتشر میشود و گوش شنوا برای آنها هست. من هم، در آلمان به همراه صدها نفر اعضای نهاد اکس مسلم، و همچنین فعالین حزب کمونیست کارگری ایران، در این کشور فعالیت و مبارزه میکنم. صدها میتینگ اعتراضی بویژه علیه حکومت اسلامی و یا حجاب و زن ستیزی سازمان داده و خودم در صدها کنفرانس و جلسه سخنرانی کرده و در رسانه های آلمانی زبان بارها حضور داشته ام. حرفهای ما را میلیونها نفر شنیده اند. هر کس کمی انصاف داشته باشد این کوه عظیم فعالیت های روزمره را می بیند و تاثیر آنرا هم میتواند ببیند و بسنجد. اکنون اسم و یا حرفهای ما در مورد سکولاریسم، مدرنیته، جدایی کامل مذاهب از دولت و نقد اسلام و کلیسا و مذاهب و غیره برای بسیاری آشنا است. ما در یکسال اخیر شبکه زنان سرکش از کشورهای اسلام زده را سازمان دادیم و در دو کنفرانسی که برگزار کردیم، دیدیم که ظرفیت بسیار بالایی در کشورهای

## ما تضمین یک زندگی شاد و شایسته انسانی می‌دهیم

ایران یک زندگی مدرن، انسانی، سکولار و شاد مثل همه مردم دنیا می‌خواهند و علی‌رغم تصور غلطی که جمهوری اسلامی سعی دارد به جامعه جهانی تحمیل کند مبنی بر اینکه مردم ایران، مذهبی هستند، اکثریت مردم ایران مذهب را نمی‌خواهند و همراه با جنبش سکولاریستی در ایران که یک جنبش پیشرو و قوی هست، با این پدیده ضد انسانی در حال جدال هستند.

#سازمان جوانان #کمونیست؛ سازمان جوانان #حزب #کمونیست #کارگری #ایران، تا به حال به عنوان تنها سازمان سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی در این رژه شرکت کرده و به عنوان یک سازمان پیشرو، آزادیخواه و برابری طلب سکولار و رادیکال، خود را نماینده مردم پیشرو و در عین حال شادی طلب ایران می‌داند و در همه فرصت‌ها و در همه نقاط دنیا این را اعلام می‌کند.

سازمان جوانان کمونیست رژه افتخار (پراید) استکهلم، پنجم اوت ۲۰۱۷

ما رقص و پایکوبی را بخشی از زندگی بشر میدانیم، ما به خیابانها رنگ شادی می‌زنیم، ما لبخند روی لبها می‌آوریم، ما کاری می‌کنیم که همجنسگرایان، دوجنسگرایان، ترنسکشوالها، زنان و همه انسانهای جامعه خود واقعی‌شان باشند؛ ما کاری می‌کنیم انسانها گرایشات جنسی‌شان را پنهان نکنند، احساسات خود را پنهان نکنند، ما کاری می‌کنیم که شادی در جامعه برسمیت شناخته شود، انسانها آزاد باشند برقصند، پایکوبی کنند، بخندند، یک زندگی شاد و شایسته انسانی را تجربه کنند. ما فرهنگ شادی و پایکوبی را در مقابل فرهنگ عزاداری و اندوه و عذاب و جان و خودزنی و قمه زنی قرار می‌دهیم. ما تضمین یک زندگی شاد و شایسته انسانی می‌دهیم.

سازمان جوانان کمونیست هر ساله با شرکت خود در رژه افتخار (پراید) و پخش موزیک‌های شاد و ترتیب رقص و پایکوبی قصد دارد به جامعه جهانی نشان دهد که جوانان، زنان و ال‌جی‌بی‌تی‌های

آمریکای شمالی - تصویر از پناهندگان و مهاجرین ایرانی اینست که بسیار مدرن و غیر اسلامی هستند، حجاب و حکومت اسلامی را قبول ندارند. این خوب است. ولی بنظر من، همه ما کسانی که منتقد حکومت اسلامی هستیم و نوع دیگری زندگی می‌کنیم و این قوانین و فرهنگ را عملاً پس می‌زنیم، میتوانیم در جل‌های روزانه و در مبارزه اجتماعی که در اروپا علیه مذهب و اسلام در جریان است، بیش از اینها نقش بازی کنیم. اما متأسفانه چنین نیست. فرهنگ و منش خود را کنار کشیدن و یا حتی کم‌اهمیت دانستن دخالت در فضای سیاسی و یا مبارزات روزانه علیه حجاب و یا دخالت کلیسا و مساجد در مقررات مردم در بین جامعه ایرانیان ساکن آلمان و یا اروپا هست که مثبت نیست. باید تا جایی که امکان دارد همه را تشویق کرد که در این جل‌مهم حضور داشته و بویژه، در نقش مردمی که عملاً حکومت اسلامی و اخلاقیات و ایدئولوژی را پس زده و حجاب و عقب‌ماندگی و فرهنگ و سیاست‌های حکومت اسلامی را در بسیاری از عرصه‌ها عملاً زمین زده اند، بتوانند در این مورد حرف زده و به پیشرفت مبارزات مردم در اروپا علیه جنبش اسلامی کمک کنند.

شکایت نوشته و اینرا نقض حقوق کودک دانسته و خواهان ممنوعیت شده‌ام. بهر حال، ابعاد فعالیت‌های ما گوناگون و گسترده است.

بنظر من باید بکشیم در اروپا حجاب کودکان را ممنوع کنیم. این یک گام بزرگ به جلو است. ما خواهان ممنوعیت تدریس مذهب به کودکان هستیم. هم در آلمان و هم کشورهای دیگری در اروپا، شاهد هستیم که مباحثات بسیار پیشرفته است. در لوکزامبورگ اخیراً اعلام شد تدریس مذهب به کودکان ممنوع است.

ما در عین حال در همه جا از حق پناهندگی دفاع کرده و جبهه‌ای در دفاع از حق پناهندگی آتیست‌ها و بی‌خدایان از کشورهای اسلام زده باز کرده‌ام، که اینهم بسیار موفق بوده است.

کار ما دفاع از آزادی بیان و اندیشه و دفاع از پاک بودن مراکز کار و فعالیت اجتماعی از هر نوع علائم مذهبی و دفاع از حقوق زنان و کودکان و همه مردم است. در این مورد، بسیار در سطح افکار عمومی کار کرده‌ام و باید اضافه کنم که تنها از این طریق هست که میتوان در مقابل دست راستی‌ها و راسیست‌ها هم ایستاد که با نشان دادن جهادپرستی‌ها و تروریست‌ها، همه مردم را به دامان آنها انداخته و

خواهان اخراج همه مسلمانان و یا خارجیها از آلمان و اروپا میشوند. **انترناسیونال:** ایرانیان مقیم آلمان و سایر کشورهای غربی که این مباحث را دنبال میکنند چه نقشی دارند و یا باید داشته باشند؟

**مینا احلی:** طبعاً ایرانیان بدلیل تجربه دردناک ۳۸ ساله با حکومت اسلامی و بدلیل تسلط فرهنگ و اخلاقیات مدرن و پیشرفته در میان آنها، نقش زیادی می‌توانند در پیشبرد این مبارزات داشته باشند. در آلمان - و همچنین در اروپا و

اسلام زده از طرف زنان سرکش برای مقابله با جنبش اسلامی و فرهنگ و اخلاقیات کهنه وجود دارد که باید این ظرفیت را دید و آنرا به رسمیت شناخت و حتی الامکان، کمک کرد این مبارزات بهم پیوندند.

**انترناسیونال:** دورنمای فعالیت خودتان حول این موضوعات را در آلمان چگونه می‌بینید؟ در سوئد به یمن فعالیت‌های وسیع فعالین حزب در دو دهه گذشته قوانینی به نفع کودکان و زنان در خانواده‌های اسلامی تغییر کرد. شما - و الان میتوان گفت - جبهه نیروهای سکولار و مترقی در آلمان، بدنبال تغییر چه سیاست‌ها و قوانینی در این زمینه‌ها هستید؟ این موضوعات منحصر به آلمان نیست. کشمکش‌های مشابه در کل غرب و مشخصاً در فرانسه، اسکاتلند و اوروی و انگلیس و کانادا و ... جریان دارد. چگونه میتوان و یا حول چه محورهایی میتوان، جبهه قدرتمند و رادیکال در غرب شکل داد؟

**مینا احلی:** درست است این موضوعات منحصر به آلمان نیست در همه کشورهای اروپا و در کانادا و آمریکا و در همه جا این مسائل هست و راه حل‌ها و یا مباحثات در همه جا در جریان است. تا آنجا که به اروپا بر میگردد، ما سعی کرده‌ام برقع در اروپا ممنوع شود. ما میکوشیم حجاب در مدارس ممنوع شود و حجاب در محیط‌های کار برای بزرگسالان هم، ممنوع شود. این خواسته‌ها فقط از طریق فعالیت‌های افشاگرانه و کمپینی پیش نمیرود، بلکه ما قطعنامه تهیه کرده و برای مقامات و دولت‌ها و اتحادیه اروپا ارسال کرده‌ام. ما در کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا علیه حجاب کودکان شکایت کرده‌ام، ما در پارلمانهای محلی در آلمان بر علیه حجاب کودکان

### حضور سازمان جوانان کمونیست در فستیوال پراید و رژه افتخار

#### (پراید) ۲۰۱۷ استکهلم سوئد

سازمان سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی در این رژه شرکت کرد و به عنوان یک سازمان پیشرو، سکولار و رادیکال، خواسته‌های LGBTQها، زنان و جوانان ایرانی و افغانستانی را نمایندگی کرد.

فیلمی که در لینک زیر ملاحظه میکنید لحظه اعلام حضور سازمان جوانان کمونیست در گزارش پخش مستقیم این فستیوال است.

<https://goo.gl/6NSM8M>

سازمان جوانان کمونیست  
۱۴ مرداد ۱۳۹۶  
۵ اوت ۲۰۱۷

LGBTQها است که هر سال تا سقف هفتصد هزار نفر بازدید کننده و نزدیک به هفتاد هزار نفر شرکت کننده داشته است؛ شرکت کننده‌ها متشکل از احزاب سیاسی، نهادها و سازمانهای مدافع حقوق LGBTQها، اکتیویست‌ها، همجنسگرایان، دوجنسگرایان، ترنسکشوالها، کوئیرها و انسانهای آزادیخواه و برابری طلبی بوده که در این رژه حضور بهم رسانده‌اند و پیروزهای خود در مبارزه برای تحقق حقوق این قشر جامعه جشن گرفته‌اند. امسال نیز طبق معمول هر سال سازمان جوانان کمونیست (سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران) به عنوان تنها

در ادامه برگزاری میزبانی اطلاعاتی در محل پارک پراید و برگزاری سمینار تلویزیونی بمناسبت فستیوال پراید استکهلم، شنبه پنجم اوت ۲۰۱۷، اعضا و فعالین سازمان جوانان کمونیست، با شعار "همستگی LGBTQها، زنان و جوانان ایرانی و افغانستانی"، پیروچشم دفاع از همجنسگرایان، دوجنسگرایان، ترنسکشوالها و کوئیرها، زنان و جوانان ایرانی و افغانستانی را در رژه افتخار و در خیابانهای شهر استکهلم در کشور سوئد بالا بردند.

فستیوال پراید استکهلم و نیز رژه (پراید) افتخار استکهلم بزرگترین فستیوال و رژه شمال اروپا در دفاع از

[www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

[www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)

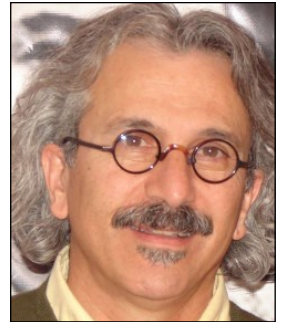
[www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)

[www.anternasional.com](http://www.anternasional.com) : نشریه انترناسیونال

سایت حزب:

سایت روزنه:

سایت کانال جدید:



## معضلات پروژه احیای سلطنت در ایران

علی جوادی

غربی به پرچم غالب و حاکم تبدیل کنند. بی دلیل نیست که رضا پهلوی و برخی دیگر از مبلغین اصلی این جنبش، عوام‌فریبانه این علم را در دست گرفته اند که "شکل حکومت مهم نیست، مضمون آن مهم است." میگویم عوام‌فریبانه، چرا که این جریانات برای لحظه ای هم حاضر نیستند از خواست خود برای احیای پروژه ارتجاعی سلطنت گذشت کنند. از طرف دیگر، این شعار تلاشی برای به تعویق انداختن سرنوشت این کشمکش در درون این صف است. تلاش میکنند نیروهای جنبش خود را با این وعده پوچ متحد کنند که سرنوشت شکل حکومتی را در "زفراندوم" آتی در ایران تعیین خواهند کرد. از قرار مردم "رای" خواهند داد که آیا رضا پهلوی را به پادشاهی "انتخاب" کنند یا فرم حکومتی جمهوری را بخواهند گزید. به همین سادگی، به همین پوچی!

اما این تبلیغات و راه حلها، تماما صوری و عوام‌فریبانه اند. نیروی زیادی حتی در خود این جنبش، به این راه حل ها باور چندانی ندارد، و آن را جلی نمی گیرد. سلطنت طلبان طوق و دو آتشه، کلا این تبلیغات و تلاش و "عقب نشینی" تاکتیکی را، به حال جنبش و پروژه خود عمیقا مضر میدانند. حاضرند که حتی از وارث سلطنت خلع ید کنند. بیاینه چندی پیش پنجاه و اندی از سلطنت طلبان و خلع ید از رضا پهلوی تلاشی در این راستا بود. این جریانات حاضر نیستند سرنوشت حکومت خود را به مکانیسم "انتخابات" و یا "رای" مردم بسپارند. برای راه مردم ذره ای ارزش قائل نیستند. در کنار احیای پروژه سلطنت همزمان به احیای دستگاه ساواک و بساط خفقان و سرکوب، بی تابانه دل بسته اند. میدانند و صریحا نیز میگویند که سلطنت مقوله ای "انتخابی" نیست. موروثی است و از آن رضا پهلوی و فرزند ذکور اول محمد رضا پهلوی است. پیش از این نیز مطرح میکردند که کس دیگری هم حق

کاندیدا شدن برای سلطنت مفروض را نمیتواند داشته باشد. اما اگر تاریخ درسی در این زمینه برای آموختن داشته باشد، باید گفت واقعیت این است که مقوله، شکل و فرم حکومتی، و یا چگونگی تعویض حکومت در بالا، در این صف همواره با سرکوب و کودتا و سر زیر آب کردن رقبا همراه بوده و رای مردم کوچکترین جایی در این پروسه نداشته است.

مضمون مشترک سلطنت و جمهوری در این صف اما از نظر مردم آزادیخواه و برابری طلب، از نظر ما کمونیستها، "جمهوری" راست بورژوازی مورد نظر، بر خلاف ادعاهای کاذب شان، تفاوت چندانی با "سلطنت مشروطه" نخواهد داشت. خاورمیانه در دورههای بسیاری پر از "جمهوری" های سرمایه داری بوده است که "مادام العمر" بوده اند. بنوعی، تماما سلطنتی و موروثی بوده اند. تنها اسمشان جمهوری است. مضمون حکومت جمهوری سوریه و اردن پادشاهی و مراکش پادشاهی در اساس و پایه یکسان اند. و اگر حتی خود تاریخ ایران را به عقب ببریم، سلطنت رضا شاه و یا جمهوری رضا شاه تفاوت چشمگیری نمیکرد. رضا شاه میتوانست رئیس جمهور مادام العمر باشد، با تمام خصوصیات استبدادی و شیوه های سرکوبگرانه حکومتی که از خود به نمایش گذاشت. تاجگذاری و اعلام پادشاهی رضا خان در آن برهه تاریخی، خود صرفا انتخابی بود که تحت تاثیر فشار اسلامیتها و پذیرش پروژه سلطنت از جانب سردار سپه، صورت گرفت.

واقعیت مهم و اساسی این است که سلطنت و جمهوری در این کشورها و از جمله ایران تابع مقتضیات اقتصادی و سیاسی یکسانی خواهند بود. انباشت سرمایه در "اقتصاد کار ارزان" ملزومات یکسانی برای هر شکل حکومتی اعم از سلطنتی و یا جمهوری ایجاب میکنند. و این اصلی ترین مساله در تعیین ویژگی

ها و یا مضمون حکومت سرمایه در ایران است.

اما آقای رضا پهلوی و مدافعین شان میگویند حکومت ایشان متفاوت خواهد بود. ایشان مصرند که حکومت شان حتی با سلطنت پدرشان تفاوت فاحشی خواهد داشت. از جنس دیگری است. میگویند الگوی حکومتی مطلوبشان پادشاهی سوئد و دانمارک و هلند است. و تنها و تنها اگر "مردم" خواستند، رضا پهلوی بر تخت سلطنت جلوس خواهد کرد. و ایشان تنها سلطنت خواهد کرد و نه حکومت. بلاوه ایشان حتی وعده موقعیت سیاسی و حقوق شهروندی در کشورهای اروپایی را به مردم میدهند. حتی اینگونه تبلیغ میکنند که شرایط زندگی مردم در این کشورها محصول سیستم پادشاهی و سلطنتی است. واقعیت چیست؟

واقعیت این است که شرایط حکومتی سرمایه در ایران و کشورهای مشابه را نیت "خبرخواهانه" و یا "شیطان فستانه" فردی که در راس این سیستم قرار میگیرد تعیین نخواهد کرد. موقعیت سیاسی و حکومتی این جنبش را ملزومات و نیازمندیهای سرمایه تعیین خواهد کرد. پایه های مادی و عینی استبداد و بی حقوقی سیاسی در ایران را حتی با فرض "نیات خیر" نمیتوان تغییر داد. کلا در ایران سرمایه داری، با اقتصاد متکی به کار ارزان، حتی دموکراسی لیبرالی یک پدیده غیر قابل حصول و خیالی است. سود و انباشت سرمایه در چنین سیستمی با هر درجه آزادی، با کوچکترین میزان آزادی، در تناقض و تضاد است. نمیتوان آزادی داشت، نمیتوان تشکل و ترحب داشت و در عین حال سود فراوان تولید کرد. رابطه اقتصاد و سیاست در ایران سرمایه داری مشتقی از رابطه سود و دیکتاتوری است. در جمهوری این جریانات نیز همانند حکومت سلطنتی ابتدا کارگر و کمونیسم را سرکوب خواهند کرد، تا بدنبال آن بتوانند حق نفس

کشیدن را از مردم سلب کنند. جامعه باید بداند که در حکومت مورد نظر این جریانات احزاب آزادیخواه و حتی غیر درباری ممنوع خواهند شد. کلا چه سلطنت و چه

جمهوری سرمایه داری در ایران برای بقاء خود باید هر روزه سرکوب کنند.

در حکومت این جریانات نیز برای تحقیق و کم توقع کردن مردم به مذهب و دستگاه کثیف مذهب متوسل خواهند شد. با آخوند معامله سیاسی خواهند کرد تا دستگاه آخوند را برای حقنه کردن افیون مذهب در اذهان جامعه حفظ کنند. سلطنت مشروطه از نوع سوئد و دانمارک در ایران با اقتصاد کار ارزان یک توهم و یک اتوپی عوام‌فریبانه بیش نیست. موقعیت مادی و سیاسی جامعه سوئد محصول تلاش های سیستم انگلی پادشاهی نیست. حاصل مبارزات کارگران و آزادیخواهانی است که اجازه نداده اند شرایط استبدادی را به این جوامع تحمیل کنند. حاصل موقعیت مادی جامعه و مختصات اقتصادی است که کارگران به سرمایه تحمیل کرده اند. حضور بقایای انگل سلطنت در این جوامع نه شاخص موقعیت و اراده مردم بلکه محصول ناتوانی در برچیدن تمامی این بساط ارتجاعی در پس یک انقلاب اجتماعی از نوع انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر است. سکولاریسم در این جوامع محصول مبارزات تاریخی و دورانساز علیه دستگاه مذهب و سلطنت است. بعلاوه، سلطنت در جوامعی که کامکان موجود است، نماینده سنت و عقب ماندگی و ارتجاع است.

آینده سلطنت واقعیت است که پروژه احیای سلطنت یکی از احتمالات سیاسی در ایران نیست. ممکن است، اما محتمل نیست، شانس چندانی ندارد. شانس ابقای سلطنت در جامعه بسیار ضعیف تر از شانس کلیت آئرناتیو راست در فردای پس از جمهوری اسلامی است. فروش سلطنت به جامعه در ایران محتاج تلاشی هرکولی است. مساله این است که مردم رعیت نیستند که شاه بخواهند. ما نیز اجازه نخواهیم داد. آزادیخواهی نیز اجازه نخواهد داد.

# تنفیذ و تحلیف، پرده آخر یک مضحکه

بهبروز مهرآبادی

مضحکه آخرین دوره انتخابات رئیس جمهور اسلامی با نمایش تنفیذ و تحلیف تکمیل شد و به پایان رسید. شروطی همچون التزام به اسلام و قوانین اسلامی، مرد بودن، اعتقاد به ولی فقیه، گذشتن از فیلتر های شورای نگهبان و ... کافی نیست و در نهایت حکم رئیس جمهور "منتخب" را "رهبر معظم" باید تنفیذ کند. و به گفته خمینی این تنفیذ تا زمانی است که عمل بر طبق موازین اسلام باشد. یعنی افسار رئیس جمهور همچنان در دست ولی فقیه باقی خواهد ماند. جمهوری اسلامی تلاش کرد تا نمایش تنفیذ و تحلیف را مفصلتر و پر صدا تر از دوره های پیش برگزار کند. روحانی و خامنه ای در صحبتهایشان تلاش کردند تا قیافه آدمهای متممن را بخود بگیری، آرامش داشته باشند و یکدیگر را مودبانه مورد خطاب قرار دهند. تمام تلاش دست اندکاران جمهوری اسلامی بر آن بود تا تصویر یک حکومت با ثبات و یکدست را از خود ارائه دهند. حتی روحانی لیست وزرای خود را با تائید خامنه ای تعیین کرده بود، تا مانع لگد پرانی های رهبر از همان ابتدای دوره دوم حکومتش شود.

اما با تمام این تلاش ها رژیم نه می تواند مانع از شدت گرفتن نزاعهای درونی خود شود و نه قادر است تغییری در ماهیت خود بعنوان یک حکومت جنایتکار و تروریست بدهد.

بحران اقتصادی جمهوری اسلامی هر روز افزایش می یابد. فقر و فلاکت هر روز بیشتر بر شانه های مردم و بویژه کارگران سنگینی می کند. روند سریع تخریب و غارت محیط زیست زندگی میلیونها نفر را بخطر انداخته و بروز فجایع بزرگتری را هشدار می دهد. با وجود فضای امنیتی و سرکوب هر روز اخبار تازه ای از اعتراضات علیه رژیم به گوش میرسد بانکها در صف اعلام ورشکستگی ایستاده اند. آمار بیکاری روز بروز بالاتر می رود.

بیشتر تولید توسط شرکت های انجام میشود که از رانت های حکومتی استفاده می کنند و در تملک آیت اله های میلیارد، سرداران سپاه و آقازاده ها و وابستگان آنها است. حتی بخش های بزرگی از سرمایه داری از حکومت ناراضی است. بیشتر شهرک ها و مراکز صنعتی در تمام نقاط ایران متروک شده و به خانه اشباح شباهت پیدا کرده اند. تلاش رژیم بیش از هر چیز بر سر پا نگاه داشتن صنعت نفت و گاز متمرکز است تا این منبع مالی را برای بقای دستگاه سرکوب و غارت و چپاول خود افزایش دهد. چشم امید حکومت به سرمایه گذاری خارجی دوخته شده و حاضر است هر امتیازی بدهد تا غرب را در چپاول نیروی کار ارزان و منابع طبیعی کشور سهیم کند.

در این میان اتحادیه اروپا و دولت های غرب تلاش می کنند تا از این وضعیت بیشترین استفاده را ببرند. پوشش ظاهری و دروغین دفاع از حقوق بشر کنار زده شده است. در حالیکه زنان ایران از هر فرصتی برای دور انداختن حجاب اسلامی استفاده می کنند، و در همان روزهایی که چندین نفر در اسارتگاههای جمهوری اسلامی اعدام میشوند، نماینده اتحادیه اروپا خانم موینکا مورکینی، حجاب بر سر گذاشته و وقیحانه با خیل جانبان و غارتگران اسلامی سلفی میگردد. بزرگترین معضل باندهای مختلف جمهوری اسلامی، ادامه بقا به هر شکل ممکن است. این معضل شکاف های بزرگی را در نظام بوجود آورده و موجب کشمکش های پایان ناپذیر و حتی خونین در آن شده است، اما در عین حال تنها نقطه وحدت درون نظام هم بشمار می رود. وحدتی که خود را در سرکوبگری و جنایت نشان میدهد. گذاشتن تروریست معروف محمد جعفری صحرارودی، قاتل عبدالرحمان قاسملو، بعنوان میزبان مراسم تحلیف در حقیقت پیام جمهوری اسلامی است که همچنان



به سیاست ترور ادامه خواهد داد. حتی اگر بین باندهای رژیم توافقی هم شده باشد، شکننده و موقتی است. این توافقات بر مبنای گروکشی و باجگیری از طرف مقابل انجام میشود. چند روز بیشتر از بازداشت حسین فریدون، برادر رئیس جمهور و انتشار پرونده سنگین دزدی های او نمی گذرد. جناح روحانی هم بنوبه خود پرونده اختلاس های نجومی پاند ولی فقیه را افشاء کرده و اعدام های بیشمار را به گردن این جناح می اندازد.

سیاست ارباب و سرکوب رژیم سالها است که شکست خورده است. در روزهای اخیر شاهد اعتراضات کارگری از جمله اعتراضات کارگران نیشکر هفته تپه و صنایع فولاد اهواز بودیم. تجمعات مردم در مقابل موسسات مالی آشکارا علیه رژیم و دست اندکاران غارتگر آن بود. مردم اجازه نمی دهند که اوباش رژیم در زندگی شخصی آنها دخالت کنند و در هفته اخیر اخبار متعددی از گوشمالی این اوباش از جمله چند آخوند توسط مردم، منتشر شد. ناله و شیون از روگردانی زنان و جوانان از قوانین اسلامی صحبت همیشگی آخوندها بر روی منابر و از تریبونهای مختلف است. بحران اقتصادی و نارضایتی عمیق و تنفر مردم از جمهوری اسلامی خود را در عمیق تر شدن شکافهای درون رژیم نشان خواهد داد. گسترش بیش از پیش اعتراضات و به خیابان آمدن مردم اجازه نخواهد داد که رژیم اسلامی با نمایشهای تهوع آوری نظیر تنفیذ و تحلیف به بقای خود ادامه دهد.

## ۵۳ کارگر احضار شده نیشکر هفت تپه با قرار

### وثیقه آزاد شدند

پرونده های امنیتی علیه کارگران باید فوراً بسته شود

اکنون انعکاس گسترده ای داشته و مورد حمایت تشکلهای مختلف کارگری در داخل و در سطح جهان قرار گرفته است. از جمله تشکلهایی چون اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای شرکت واحد، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری از مبارزات این کارگران حمایت کرده و احضار کارگران معترض در این کارخانه را محکوم کرده اند. در سطح بین المللی نیز اتحادیه آی یو اف ( فدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگران غذایی، کشاورزی و...) کارزاری در حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه و خواستهایشان اعلام کرده است. کنگره سراسری اتحادیه های کارگری انگلیس نیز طی بیانیه ای از مطالبات کارگران شرکت نیشکر هفت تپه حمایت کرده است.

اعتراضات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه اکنون در موقعیت حساسی قرار دارد. وسیعاً از آن حمایت کنیم. اخبار این اعتراضات را رسانه ای کنیم و با حمایت و پشتیبانی قاطع خود از مبارزات و خواستهای آنان، در کنارشان بایستیم و خواستار لغو فوری پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران معترض در این کارخانه و توقف احضار و تهدید و فشار بر روی آنان شویم. تشکل حق مسلم کارگران است و سندیکای نیشکر هفت تپه باید به رسمیت شناخته شود. صدای اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه در سطح جهانی باشیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Free Them Now  
Shahla.daneshfar2@gmail.com  
http://free-them-now.com

۹ اوت ۲۰۱۷ - ۱۸ مرداد ۹۶

روز یکشنبه ۱۵ مرداد ۵۳ کارگر کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در شعبه اول دادیاری دادگاه شوش تفهیم اتهام شدند. همزمان تعداد قابل توجهی از کارگران نیشکر رفقای خود را همراهی کردند و در مقابل دادگاه حضور یافتند. بنا بر خبر منتشر شده از سوی سندیکای نیشکر هفته تپه اسامی این کارگران توسط مدیر عامل شرکت، سیامک افشار، و با همکاری حراست، تهیه شده و به دادگستری شوش ارسال گردیده است. اتهام این کارگران شرکت آنها در اعتصابات اخیر کارگران نیشکر هفت تپه است. کارگران احضار شده با سپردن کفالت آزاد شدند.

در بیانیه خبری سندیکای نیشکر هفته تپه احضار کارگران و هرگونه پرونده سازی علیه آنان و کارگران دیگر بخشها در سراسر کشور محکوم شده و آنها خواستار لغو کلیه اتهامات امنیتی و قضایی علیه کارگران شده اند.

کارگران نیشکر هفته تپه دستمزدهای پرداخت نشده خود را میخواهند، خواستار به رسمیت شناخته شدن سندیکای خود هستند، خواستار پرداخت سهم بیمه کارفرما برای پرداخت مقرری بازنشستگی ۳۴۱ کارگر بازنشسته شده اسفند ۹۵ هستند، خواستار پایان دادن به امنیتی کردن محیط کارخانه هستند و چندین ماه است که بخاطر این خواستها در اعتراض و مبارزه هستند. اتحاد مبارزاتی کارگران، تصمیم گیری های جمعی آنان در مجمع عمومی برای متحد باقی ماندن، حضور فعال خانواده های کارگران، حمایت مردم شهر از این مبارزات، در این مقطع حساس از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه، کلیدی و حیاتی است. از خواستها و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه وسیعاً حمایت کنیم.

اعتراضات قدرتمند و متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه تا هم

# کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



مشخص است همه بازنشستگان اعم از کشوری، لشکری و تامین اجتماعی را در برمی گیرد با توجه به عدم دستیابی به مطالبات خود که برون رفت از خط فقر و داشتن بیمه ای کارآمد و رایگان و حفظ سلامت صندوق های بازنشستگی بوده، با برگزاری تجمعی خواسته های خود را مجدداً به مسئولان یادآور می شود.

در ادامه این بیانیه همه بازنشستگان و خانواده هایشان را به شرکت وسیع در این حرکت اعتراضی فراخواند و مینویسد: اکنون با شعار خط فقر سه و نیم میلیون، حقوق ما یک و نیم میلیون با صدایی رسا در تجمع ۳۱ مرداد ساعت ۱۰ در مقابل مجلس شرکت می کنیم. سپس چند تن از بازنشستگان قطعنامه را به مسئولان ارائه خواهند کرد و تا پایان شهریور در انتظار پاسخگویی مسئولان خواهیم ماند و در صورت عدم توجه به خواسته های برحقمان به تجمعات و تحصن روی خواهیم آورد.

سه بند مهم قطعنامه پیشنهادی گروه اتحاد بازنشستگان برون رفت از خط فقر یعنی؛ (چهار میلیون)، داشتن بیمه های همگانی و درمان رایگان و برداشتن فشارهای امنیتی از فضاها فعالیت آنهاست. در خاتمه قطعنامه آنها چنین آمده است: "این خواسته ها از طریق تعدادی از بازنشستگان به مسئولان ارائه می گردد و خواستار پاسخگویی آنان به مطالباتمان از طریق یک رسانه عمومی تا آخرین روز شهریور هستیم. چنانچه به مطالبات ما پاسخ مناسب داده نشود کماکان به تجمعات و تحصن ادامه خواهیم داد."

در کنار این فراخوان دادن ها و اعلام خواست ها بصورت قطعنامه،

از دیگر بخش ها از شهرهای مختلف بیانیه داده و شرکت خود در این تجمع اعتراضی بزرگ را اعلام داشتند و این جنب و جوش در سطح سراسری به پا شده است. به گفته بازنشستگان، در نتیجه اعتراضاتی که در چند سال گذشته داشته اند، دولت متقبل شده است که در بازه زمانی ۵ ساله، حقوق بازنشستگان همپراز شود و نیز بعد از ۳۷ سال برای اولین بار در لایحه بودجه برای بازنشستگان، ردیف بودجه در نظر گرفته شده است. اما این را کافی ندانسته و خواستار اجرای کامل قانون مدیریت خدمات کشوری هستند.

در کارگروه های بازنشستگان برای پیگیری خواسته هایشان اعلام شده است که دولت مکلف است از ابتدای سال ۹۶ و ظرف بازه زمانی دو ساله، نابرابری موجود، بین حقوق بازنشستگان کشوری و لشکری در سنوات مختلف را تعدیل نماید. همچنین برای جبران معوقات حاصل از اجرای ناقص قانون خدمات کشوری، این ما به تفاوت از سال ۹۸ تا سال ۱۴۰۰ پرداخت شود.

اما توده وسیع بازنشستگان میگویند چرا بازه زمانی دو ساله، ده سال انتظار بس نیست؟ از جمله در بیانیه گروه اتحاد بازنشستگان به مناسبت تجمع روز ۳۱ مرداد چنین آمده است: "در آغاز سال مقدار ناچیزی به حقوق افزوده شد و به واقع حق ما را ندادند، طرح فلاکت دادند" اما بازنشستگان همچنان زیر خط فقری هولناک قرار دارند و دیگر تاب و تحمل نامه نگاریها و مذاکرات فرسایشی را ندارند.

در این بیانیه و فراخوان آنها برای تجمع در مقابل مجلس چنین آمده است: "گروه اتحاده بازنشستگان، چنانچه از نامش

خط فقر است. پاسخ ما تاکید بر خواسته های سراسری ای چون افزایش حقوقها در گام اول بالاتر از سبد هزینه ۴ میلیون تومانی، کاهش فشار کار بر روی پرستاران از طریق استخدام پرستار به اندازه نیاز جامعه و لغو اضافه کاری های اجباری، بالا بردن سطح بهداشت و درمان در تمام مراکز درمانی و درمان رایگان برای همه مردم است. بنابراین تمامی کسانی که تحت عنوان پرستار بیمارستانی به کار گرفته شده اند، حق دارند از یک زندگی انسانی برخوردار باشند. بویژه مزیت داوطلبان این شغل، علاقه مندی آنها به کار در این بخش خدماتی مهم در جامعه است و باید به عنوان نیروی آماده به کار در بخش درمان آموزش لازم را ببینند و به کار گرفته شوند. در مبارزه برای این خواسته ها پرستاران، دانشجویان پرستار و نیروهای که بعنوان پرستار بیمارستان قرار است آغاز به کار کنند، باید متحدانه کنار هم بایستند و تعرضات رژیم اسلامی را عقب زنند.

پرستاران در تجمعات اعتراضی تا کنونی شان بارها بر روی گوشه هایی از این خواسته ها تاکید کرده اند، با شعار معیشت، منزلت، حق مسلم ماست، بر داشتن یک زندگی انسانی تاکید کرده اند. امروز نیز با قدرت اتحادشان است که میتوانند تعرضات حکومت اسلامی را عقب زنند. خواسته های پرستاران، خواسته های همه مردم است. وسیعاً از اعتراضات و خواسته های آنها حمایت کنیم.

اولین تجمع سراسری بازنشستگان در سال ۹۶ بازنشستگان برای ساعت ده صبح روز ۳۱ مرداد برای پیگیری خواسته هایشان فراخوان به تجمع سراسری در مقابل مجلس اسلامی را داده اند. هفته ای که گذشت در واقع هفته تدارک این گردهمایی بزرگ و سراسری بود و معلمان و پرستاران بازنشسته و بازنشستگان

آموزش سرپایی به کار گرفته میشوند. نیرویی که تحت عنوان "غیر ماهر" قرار است بیشترین کار از کرده اش کشیده شود و پایین ترین سطح مزد به او تعلق گیرد و با قراردادهای موقت و پیمانی به بردگی کشیده شود. پرستاران و دانشجویانی که آموزش ویژه پرستاری را دیده اند، به این طرح اعتراض دارند و میگویند چرا دولت از میان نیروی بیکار موجود در میان پرستاران و پرستارانی که دوره آموزشی خود را تمام میکنند و وارد بازار کار میشوند، نیروی خود را تامین نمیکند؟ چرا قراردادهای پرستارانی که بصورت موقت و پیمانی به کار اشتغال دارند، دائم و رسمی نمیشود؟ و حرفشان اینست که با اجرای این طرح استاندارد درمان در بیمارستانها پایین خواهد آمد و جان بیماران به خطر می افتد. روشن است که اینها جنبه هایی از تعرضی است که با این طرح به کل جامعه صورت میگیرد. اما هنوز تمام ابعاد تعرضی که در طرح دولت نهفته است را بیان نمی کنند. از

همین رو خطری که در این میان مبارزات پرستاران را تهدید میکند، تفرقه در صفوف مبارزاتی آنان از طریق همین طرح است. روشن است که جنگ پرستاران با این نیروی به کار گرفته "غیر متخصص" یا "غیر کارآمد" تحت عنوان پرستار بیمارستان، نیست و نباید باشد. بلکه جنگ بر سر توطئه ای است که پشت چنین طرح تفرقه افکنانه ای نهفته است. دولت با این طرح و از طریق به کارگیری نیروی ارزان "غیر ماهر" عملاً چماق اخراج را بر روی سر پرستاران شاغل گرفته و میکوشد با این کار همسین دستمزدهای زیر خط فقر آنان را نیز مورد حمله قرار دهد و شرایط سخت تر کاری را به آنها تحمیل کند. پاسخ ما در برابر این توطئه گری اتحاد مبارزاتی همه پرستاران در تمام سطوح "تخصصی" و "غیر تخصصی" است. پاسخ ما مبارزه متحد همه پرستاران علیه زندگی زیر

اعتراض سراسری پرستاران به طرح پرستار بیمارستانی و برای پیگیری خواسته هایشان و فراخوان بازنشستگان در سراسر کشوری برای تجمع در مقابل مجلس اسلامی برای ۳۱ مرداد و جنب و جوش گسترده برای برگزاری این روز بزرگ اعتراضی دو خبر داغ در هفته گذشته است. این اتفاقات در کنار اعتراضات گسترده در محیط های کارگری، از جمله ادامه اعتراضات متحدانه و قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه، ادامه اعتراضات کارگران گروه ملی اهواز، ادامه اعتراضات کارگران قطار شهری اهواز هر یک به نوبه خود نشانه ای از پیشروی های کیفی جنبش کارگری و فضای تعرضی آن در اوضاع پر جنب و جوش امروز جامعه است.

تجمع سراسری پرستاران

روز ۱۵ مرداد پرستاران در سراسر ایران دست به تجمع اعتراضی زدند. فراخوان اعتراض برای این روز از قبل داده شده بود و موضوع محوری اعتراض آنها مربوط به طرح جدید پرستار بیمارستانی بود. اما موضوع اصلی به طور واقعی مشکلات اساسی ای است که پرستاران سالهاست با آنها درگیرند و به اشکال مختلف پیگیری رفع آنها شده اند. قضیه ای از قرار است که دولت در ادامه طرحهای تعرضی اش به بخش های مختلف جامعه، در رابطه با پرستاران نیز با طرح پرستار بیمارستانی وارد عمل شده است. اولین صدمه این طرح ایجاد تفرقه در صفوف پرستاران تحت عنوان متخصص و غیر متخصص است. به عبارت روشنتر در شرایطی که کمبود پرستار به بحرانی در بیمارستانها تبدیل شده است و یک موضوع اعتراض پرستاران، اضافه کاری های اجباری و بالا بودن شدت کار آنها است، دولت برای ارزان تمام کردن نیروی کار در بیمارستانها به طرح پرستار بیمارستانی روی آورده است. طبق این طرح نیروی جوان بیکار بلون طی دوره های آموزشی پرستاری از طریق بیمارستان و یک



## من و "قصاب کردستان" و دخترش فاطمه صادقی خلخالی

شیوا محبوبی

بار با شنیدن اسم پدر جلال این خانم نفس در سینه‌ام حبس میشد، چرا که هر بار شنیدن اسمش به این معنی بود که آدمهایی را که دوست داشتم تبعید و یا اعدام میشدند. پدر جنایتکار ایشان بسیاری از لحظات شاد کودکی را از من و هزاران کودک دیگر گرفت و خون و اعدام و خشونت و ترس را جایگزین آن کرد.

من فاطمه صادقی میگویم: "من دغدغههای خودم را دارم. الزامی ندارم چیزی که برای پدر من جالب بوده برای من هم جالب باشد...". درست است، ایشان نباید با پدرش و جنایاتی که کرده تداومی بشود. پدر و مادر انتخابی نیستند و یک بچه کنترلی روی شخصیت و عملکرد پدر و مادرش ندارد. اما این خانم که حالا دیگه بچه نیست و حق انتخاب دارد، میتواند از پدرش دفاع نکند و خودش را به بیراهه نزند که اطلاع ندارد پدرش چه جنایاتی مرتکب شده و باید برود در موردش بخواند. جنایات خلخالی در همه جا ثبت شده است. آیا فاطمه صادقی که اسم خودش را پژوهشگر علوم سیاسی گذاشته است عکس مشهور اعدام به دستور خلخالی در سنندج را که در آن برادران ناهید در حالیکه یکی از آنها زخمی بودند و اعدام شدند را ندیده است؟ ایشان لازم نیست برود کردستان تحقیق کند که پدرش چه جنایاتی مرتکب شده، تمام این اسناد روی اینترنت وجود دارد.

میگویند انسان حس همدردی با همنوعش را دارد ولی به نظر میآید این حس همدردی در فاطمه صادقی وجود ندارد. مسئله اینست که فاطمه صادقی میخواهد جنایات پدرش را توجیه کند. از نظر من کسی که جنایاتی را توجیه و یا سرپوش میگذارد در ارتکاب آن جنایت سهیم است.

به نظر میآید من و خیلی از بچه های دوران من خاطرات متفاوتی نسبت به پدر جنایتکار ایشان داریم. فاطمه صادقی در بخشی از صحبتهایش میگوید "... من خیلی از وقایعی را که در جریان انقلاب اتفاق افتاده چون بچه بودم از نزدیک تجربه نکردم. من بچه بودم و حالا باید بروم و ببینم در کردستان چه اتفاقی افتاده یا ماجرای هویدا و اعدامها چه بوده. وقتی نمی‌دانم، اصلا صلاحیت ابراز نظر درباره آن قضایا را ندارم. وقتی که من سکوت می‌کنم یا می‌گویم نمی‌دانم، آدمها فکر می‌کنند که می‌خواهم لجاجتی کنم. اما واقعیت این است که من خیلی علاقمندی نداشتم که درباره وقایع کردستان بخوانم با اینکه می‌دانم آن مقطع هم خیلی مهم است. ممکن است یک روز این کار را بکنم و ببینم اتفاقات کردستان چه بوده و نقش پدر من چه بوده...". ایشان میگویند بچه بود و از نزدیک وقایع کردستان را تجربه نکرده و علاقه‌ای نداشته در موردش بخواند و حالا هم میگویند شاید یک زمانی در موردش بخواند. اما برای من به عنوان یک بچه یازده ساله شنیدن و لمس و تجربه وقایع کردستان علاقه و انتخاب نبود، واقعیت و جزئی جدایی ناپذیر از زندگی روزمره ام بود. هر لحظه نگران بودم که کدام عضو خانواده ام و یا خواهر و برادر و یا پدر و مادر کدام یک از دوستانم قرار است به حکم خلخالی تبعید و یا اعدام بشوند. من انتخابی نداشتم وقتی آشکها و زجه‌های مادر نسرین و شهلا کعبی را در مراسم بعد از اعدامشان دیدم. در آن زمان مغز جوانم نمیتوانست هضم کند که چرا شهلا و نسرین که دو انسان مهربان و نازنین و دو پرستاری بودند که در بدترین شرایط و وظیفه پرستاری خودشان را انجام دادند باید اعدام شوند. من انتخابی نداشتم وقتی هر

گوش مسئولین می‌رسانیم... خلاصه کلام اینک اعتراض اصلی بازنشستگان، اعتراض به زندگی زیر خط فقر، به تبعیض و نابرابری، به محرومیت از بیمه‌های اجتماعی و درمان رایگان، به اختلاس‌ها و حقوقهای میلیاردی و بی‌تامین مطلقشان بعد از سالها کار و مشقت است. و این صدای اعتراض کل جامعه است و باید وسیعاً از آن حمایت کرد. آخرین تجمع بازنشستگان در اسفند ۹۵ بود. تجمعی که ده هزار نفر در آن شرکت داشتند و با شعارهای یک اختلاش کم بشه مشکل ما حل میشه، خط فقر ۴ میلیون، حقوق ما یک میلیون، معیشت، منزلت، حق مسلم ماست، اعتراضشان به زندگی زیر خط فقر را اعلام داشتند.

شما سکوت کردید و چگونه شما را به عنوان وزیر معرفی کردند؟ و بدین ترتیب به دزدی‌ها و اختلاس‌ها اعتراض دارند. در چنین فضایی از اعتراض و مبارزه است که بازنشستگان به استقبال تجمع سراسری روز ۳۱ مرداد میروند. نکته قابل توجه در چنین فضایی پیامهای همبستگی با بازنشستگان است. از جمله گروه معلمان نوزده اسفند طی بیانیه‌ای حمایت خود را از فراخوان اعتراضی بازنشستگان اعلام داشته و مینویسند: "نظر به اینکه اهداف صنف بازنشستگان و شاغلین در یک راستا و باهم مرتبط هستند. بنابراین دست در دست هم و دوش در دوش بازنشستگان فرهیخته متحد و یکصدا در صفی متحد فریاد عدالت خواهی مان را در ۳۱ مرداد به

گفتمان‌ها بر سر اعتراض سراسری برای روز ۳۱ مرداد در گروههای مبارزاتی بازنشستگان در مدیای اجتماعی قابل توجه است. میگویند با توجه به تجربیات قبلی دیگر مذاکره و نماینده فرستادن در کار نخواهد بود. بلکه جمعی خواهند ایستاد. میگویند تنها راه اعلام مهلت برای پاسخگویی به خواستههایشان است و اگر پاسخ نگیرند، دوباره جمع خواهند شد و اعتراض خواهند کرد. میگویند خالی بودن صندوق بازنشستگی به آنها ربطی ندارد و سخنان خطاب به بطحایی وزیر جدید آموزش و پرورش اینست که آقای بطحایی شما معاون مدیریت و برنامه ریزی وزیر قبلی فانی بودید و یکی از اعضای هیات مدیره صندوق ذخیره فرهنگیان چرا با حضور شما تمام موجودی صندوق ذخیره غارت شد و

## جمهوری اسلامی علیرضا تاجیکی را اعدام کرد!

مسئول امور حقوق بشر دولت آلمان، یک روز قبل از اعدام علیرضا تاجیکی نگرانی خود را نسبت به اعدام وی در ایران اعلام می‌دارد. اعدام علیرضا تاجیکی و نوجوانان دیگر در ایران سند دیگری بر محکومیت نه فقط جمهوری اسلامی بلکه همه دولتهایی است که به خاطر منافع سودپرستانه خود با جمهوری اسلامی به سازش و مماشات می‌پردازند. علیرضا تاجیکی متاسفانه توسط جمهوری اسلامی اعدام شد ولی هنوز دهها نوجوان دیگر در ایران در ریف اعدام قرار دارند. هزاران نفر دیگر هم در زندانهای ایران با حکم اعدام مواجه هستند. باید به تمام توان به کمک اعدامی‌ها در این شتافت و آنها را از مرگ نجات داد. ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی را باید با مبارزه و اعتراض دسته جمعی و فشار بین المللی به توقف کشاند.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۱۹ مرداد ۱۳۹۶ - ۱۰ اوت  
۲۰۱۷

حکمی را با شبهات زیادی مواجه می‌سازد، اما در بدترین فرض، علیرضا تاجیکی در زمان ارتکاب جرم اتهامی ۱۵ سال بیشتر نداشته است". بنا به گزارش سازمان عفو بین الملل علیرضا تاجیکی پس از دستگیری به مدت ۱۵ روز در سلول انفرادی در آگاهی شیراز، بدون دسترسی به خانواده و وکیل، نگهداری و تحت فشار و شکنجه مجبور به اعتراف علیه خود شد. این نوجوان زندانی بارها در دادگاه بی‌گناهی خود را اقرار داشته است، باین حال دادگاه «اعترافات» او را بمعنوان مدرک در طول دادرسی علیه او پذیرفته و علاوه بر فقدان هرگونه مدرک و سند معتبر دیگری علیه علیرضا تاجیکی او را به اعدام محکوم کرد و به مورد اجرا گذاشت. اعدام علیرضا تاجیکی در زمانی روی می‌دهد که فدریکا مورگینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در صحن مجلس اسلامی با آدمکشان جمهوری اسلامی عکس می‌گیرد. دیپلماتهای خارجی بیشرمانه در دیدار نمایشی زندان اوین مشارکت می‌کنند و آنوقت ریل کوفلر،

علیرضا تاجیکی که از سن ۱۵ سالگی در بازداشت بسر می‌برد، سحرگاه روز ۱۹ مرداد توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی اعدام شد. علیرضا تاجیکی در سال ۱۳۹۱ زمانی که فقط نوجوانی ۱۵ ساله بود بنا به اتهامی که به او نسبت داده شده بود یعنی قتل و تجاوز دستگیر شد و پس از مدتی حکم اعدام وی صادر گردید. کمیته بین المللی علیه اعدام، اعدام جنایتکارانه علیرضا تاجیکی را شدیداً محکوم می‌کند. جمهوری اسلامی باید از هر سوی تحت فشار قرار گیرد که به اعدامها در ایران و بویژه اعدام کودکان و نوجوانان خاتمه دهد.

علیرضا تاجیکی که یکبار قرار بود در روز یکشنبه ۲۶ اردیبهشت (۱۵ مه) ۱۳۹۵ در زندان عادل‌آباد شیراز اعدام شود به دلیل تلاشهای فعالین علیه اعدام در ایران و دنیا توانسته بود از مهلکه مرگ بطور موقت نجات یابد. نسرین ستوده که زمانی وکالت علیرضا را بر عهده داشت در باره او در فیس بوک خود قبلاً نوشته بود که: "در پروندهی او نقاط ابهام بسیاری وجود دارد که صدور چنین

## باز گرداندن مجدد رضا شهابی به زندان محکوم است رضا شهابی باید فوراً آزاد شود

رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران نیز با معضل وثیقه و فشارهای دستگاه قضایی بر روی کسانیکه برای آزادی وی وثیقه گذاشته اند، روبروست. باید تمامی وثیقه های تعیین شده برای فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض لغو شود و آزادی بدون قید و شرط آنها اعلام شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در کنار سنديکای واحد بازگرداندن رضا شهابی به زندان را شدیداً محکوم و خواستار آزادی بدون قید و شرط او است.

يك کارزار مهم معلمان، کارگران و فعالین اجتماعی، کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات است، باتمام قدرت به این کارزار پیوندیم.

کارگران زندانی، معلمان در بند و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. احکام امنیتی صادر شده برای تمامی فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی باید لغو شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Free Them Now  
Shahla.daneshfar2@  
gmail.com

http://free-them-  
now.com

۹ اوت ۲۰۱۷ - ۱۸ مرداد ۹۶

دو مرحله از ناحیه گردن و کمر تحت عمل جراحی قرار گرفت و با تایید پزشکی قانونی و برای طی مراحل درمانی به مرخصی پزشکی اعزام شد. با وجودیکه مرخصی پزشکی جزو دوران محکومیت زندانی محسوب میشود، اکنون دادستانی با بیشرمی تمام مدعی است که سه ماه از مرخصی پزشکی رضا مورد تایید قرار نگرفته است. بر همین اساس دستور ضبط وثیقه او را صادر کرده است.

سنديکای شرکت واحد این اقدام را محکوم و خواستار آزادی بدون قید و شرط رضا شهابی شهابی و تمامی کارگران و معلمان در بند و لغو احکام زندان برای ابراهیم مددی و داود رضوی دو عضو دیگر سنديکای واحد که هر کدام ۵ سال حکم دارند، شده است.

جمهوری اسلامی فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی را با اتهامات امنیتی همواره تحت فشار و پیگرد قرار میدهد، برای آنها احکام زندان صادر میکند، آنها را دستگیر و زندانی میکند و وقتی هم زیر فشار اعتراضات اجتماعی ناگزیر به آزاد کردن آنها میشود، برایشان وثیقه های سنگین تعیین میکند، برای اینکه فشار زندان را بر روی سر آنها و خانواده هایشان و کل جامعه نگاهدارد. از جمله در ۱۵ مرداد ۵۳ کارگر معترض نیشکر هفت تپه با قرار وثیقه آزاد شدند. هم اکنون جعفر عظیم زاده

به گزارش منتشر شده از سوی سنديکای شرکت واحد رضا شهابی عضو هیات مدیره سنديکای کارگران شرکت واحد برای جلوگیری از ضبط ملك وثیقه گذار توسط دادستانی همراه باتعدادی ازاعضای سنديکا و خانواده ودوستان ساعت شش و بیست دقیقه بعد از ظهر روز هفدهم مرداد به زندان رجایی شهر مراجعه کرد. بدین ترتیب دادستانی تهران، از طریق اعمال فشار به وثیقه گذارش، رضا شهابی را برای تحمل سه ماه حبس دیگر به زندان بازگرداند.

رضا شهابی در ۲۲ خرداد ۸۹ هنگام رانندگی با اتوبوس و جایای مسافران توسط نیروهای امنیتی بازداشت و پس از ۱۹ ماه فشار در انفرادی ۲۰۹ اوین به شش سال حبس و پرداخت مبلغ هفت میلیون و پانصد هزار تومان جریمه نقدی و پنج سال محرومیت از فعالیت های سنديکایی از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب محکوم گردید.

رضا شهابی به دلیل جراحات ناشی از خشنوت نیروهای امنیتی در هنگام بازداشت و همچنین بازجویی های طولانی و طاقت فرسا از ناحیه گردن و کمر آسیب های جدی دید و به خاطر اینکه مسئولان قضایی با درمان وی در خارج از زندان مخالفت می کرد، او در سه مرحله ناگزیر دست به اعتصاب غذا زد و به علت وخامت جسمانی به بیمارستان منتقل گردید. شهابی در

## در حمایت از بیانیه ۱۳۰ فعال کارگری و معلمین در اعتراض به بازداشت اسماعیل عبدی و تداوم تعقیب و حبس سایر فعالین اجتماعی

که همانگونه که مرخصی و آزادی موقت اسماعیل عبدی حاصل ایستادگی و مقاومت وی و کارزار همبستگی جهانی بود، اکنون نیز آزادی دوباره اسماعیل عبدی در گرو حمایت های وسیع معلمان و کارگران و افکار عمومی جامعه ایران و سراسر جهان است. این بیانیه ضمن قدردانی از حمایت های تا کنونی همه تشکل های صنفی معلمان، کارگران، دانشجویان، نهاد های اجتماعی مدنی، شخصیت ها و سازمانهای مستقل بین المللی را برای کمک به پایان دادن به این وضعیت غیر قابل قبول فرا خواند و بر حمایت از مبارزات برحق معلمان و کارگران تاکید کرده است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، حمایت قاطع خود را از خواسته های اعلام شده در بیانیه ۱۳۰ نفره فعالین معلم و کارگری اعلام میدارد.

اسماعیل عبدی، محسن عمرانی دو تن از معلمان معترض زندانی و آتنا دائمی از فعالین دفاع از حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. تمامی احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی باید فوراً لغو شود و به تعقیب و تهدید فعالین کارگری و مردم معترض و احضار آنان به دادگاه و تهدید دائمی زندگی و معیشتشان باید خاتمه داده شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Shahla.daneshfar2@  
gmail.com  
http://free-them-  
now.com

۹ اوت ۲۰۱۷ - ۱۸ مرداد ۹۶

اسماعیل عبدی دبیرکل سابق وعضو ارشد کانون صنفی معلمان ایران که پس از اعتصاب غذای سخت ۳۸ روزه در مرخصی بسر می برد، در پنجم مردادماه از مقابل منزلش توسط مامورین امنیتی به شیوه ای وحشیانه بازداشت ومجدداً به بند ۳۵۰ زندان اوین منتقل گردید. اعتراض بیانیه ۱۳۰ نفره فعالین کارگری و معلمان به تداوم تعقیب قضایی و حبس فعالین کارگری و معلمان و فعالین اجتماعی از جمله نمونه های اخیر آن چون بازگرداندن مجدد اسماعیل عبدی به زندان، بازگرداندن محسن عمرانی به زندان در نهم مردادماه بعد از سه روز مرخصی، تبعیدعلی اکبرباغانی، فشار بررهیشتی از اعضای کانون صنفی معلمان وجعفر عظیم زاده فعال کارگری، صدور ۹۱ روز حکم تعلیقی بمدت سه سال برای طاهر قادر زاده و یکسال تعلیقی برای رضا مسلمی زندان است. در این بیانیه معلمان و کارگر گروه ۱۹ اسفند حمایت خود را از اسماعیل عبدی و خواسته های آنها که همانا لغو احکام امنیتی صادر شده برای کلیه فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی است، اعلام کرده و با تاکید بر همسرنوشتی مشترک همه معلمان، کارگران ومزدبگیران خواستار آزادی وی شده اند.

امضاء کنندگان این بیانیه بر حضور موثر همه تشکلهای مستقل کارگری و بویژه کانونهای صنفی معلمان در سراسر کشور برای محکوم کردن وجلوگیری ازادامه این فشارها و تلاش همه این تشکل ها بمنظور ایجاد شرایط امن و آزاد برای فعالیت های اعتراضی جهت پیگیری مطالبات حق طلبانه معلمان و کارگران وهمه مزدبگیران جامعه تاکید کرده اند. بیانیه اعلام میدارد

### انترناسیونال

نشریه حزب  
کمونست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

Yahsat  
کانال جدید  
KANAL JADID

پلاريزاسيون	فرکانس
عمودی	۱۲۵۹۶
اف ای سی	سیمبل ریت
۲/۳	۲۷۰۰